

# طرح ولایت؛ در یک نگاه

در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسینی، معاونت آموزش موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

گفت و گو از:  
محمد بهمنی

اشاره

بگذارید در همین آغاز، یک راز را برای شما فاش کنم؛ متأسفانه فایل صوتی مصاحبه ضبط نشده بود. برای مشکل بود که مصاحبه را تکرار کنم. وقت گرفتن از آقای حسینی سخت بود و سخت‌تر، شرم من، که دوباره مزاحم ایشان بشوم. این بود که مصاحبه، از روی یادداشت‌های من از آن گفت وگو تنظیم شده؛ البته تمام این مصاحبه به تأیید آقای حسینی رسید. اگرچه جناب حسینی نیز مانند شما، اکنون از این راز آگاه می‌شود.

طرح ولایت چه طرحیه و از کجا شروع شد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. پس از پیروزی انقلاب، گذشته از اینکه خود انقلاب اسلامی یک تحول فرهنگی بزرگ بود، ولی امام خمینی (ره) انقلاب فرهنگی در دانشگاه را مطرح کردند. سه سال هم

دانشگاه‌ها تعطیل شد تا برای اسلامی کردن دانشگاه و سرفصل دروس دانشگاهی، به خصوص رشته‌های علوم انسانی برنامه‌ریزی شود. حتی مجموعه «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» هم برای همین منظور راه‌اندازی شد. ولی کار قابل توجهی صورت نگرفت. هدف از طرح انقلاب فرهنگی، جهت دادن به دانشگاه و ایجاد

مورد نظر اسلام بود. با تمام تلاش‌هایی که شد، ولی اثر ملموس و قابل توجهی نداشت. دغدغه همه دلسوزان انقلاب از ابتدا این بود که این رشته‌ها و محتوای ارائه شده در آن، محصول غرب و نیازهای آنجاست. آنها برای حل مشکلات فکری، فرهنگی، اقتصادی خودشان، بر

اساس مبانی فکری که در انسان‌شناسی و جهان‌شناسی دارند. این نظام‌های فکری را طراحی کردند. اما این درس‌ها و رشته‌ها وارد فضای کشور اسلامی ما شده، با همان مبانی و همان جهان‌بینی حاکم بر آن. این نمی‌تواند چاره کار ما باشد. به طور طبیعی، با فرهنگ و اعتقادات ما مشکل پیدا

می‌کند. این بود که اصل هدف انقلاب فرهنگی، به عنوان اصلی‌ترین هدف انقلاب اسلامی، تاکنون آنطور که باید و شاید، محقق نشد.

اما در ارائه معارف دینی هم یک مشکل پایه‌ای وجود دارد؛ اگر کسی در مقابل ما که می‌خواهیم معارف دین را بیان کنیم، بگوید از کجا معلوم این ادعای شما، حرف دین است؟ یا به چه دلیل، دین فقط همین مدعا را تأیید

می‌کند؟ هر کسی نظری دارد. نظر هر کس محترم است و سؤالاتی دیگر از این دست را مطرح کند. ما نمی‌توانیم دیگر از زبان دین و از پایگاه دین، به او پاسخ دهیم. این است که لازم است قبل از هر بحث دینی و معارفی، یک مجموعه مباحث فکری و بنیادین معرفتی طرح و اثبات شود.

**این دوره‌ها، با همکاری سازمان بسیج دانشجویی اجرا شده، که همه زحمت**

**سخت‌افزاری کار به دوش این عزیزان بود. خدا انشاءالله از ایشان قبول کند و ما هم تشکر می‌کنیم.**



تقویت خود استادان از نظر علمی و بیان مباحث اجرا شد. یا برای اینکه به قول شما، کاملاً انتزاعی و بی‌ربط به واقعیت عینی روزمره نباشد، جلسات تحلیلی، پرسش و پاسخ و مشاوره در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فردی به برنامه اضافه شد. اینها همه در طول زمان و با توجه به معایب و اشکالات بود.

فرمودید ۱۶ سال از این طرح می‌گذرد. ارزیابی خود شما چیست؟ موفق بودید؟

موفقیت و عدم موفقیت نسبی است. در جاهایی، هنوز آن گونه که باید و شاید، موفق نبوده‌ایم. در آنجا که باید معارف بنیادین اسلام به همه دانشجویان، استادان و حتی دانش آموزان منتقل شود، نه هنوز ابتدای راه هستیم. اما با توجه به اینکه یک نفر از سر دردین و احساس وظیفه، سخنی بگوید و با یک گروه کوچک از استادان و طلاب و دانشجویان، کار را شروع کند و حالا بعد از ۱۶ سال به این بالندگی برسد که مثلاً مراکز تحقیقاتی آمریکا و انگلیس، این برنامه و دانش‌آموختگان طرح ولایت را در مقابل سیاست‌های خود ببینند و به قدرت تأثیرگذاری آن اعتراف کنند، به نظر می‌رسد خود ستایی نیست اگر گفته شود، خیلی پیش رفته‌ایم. به قول معروف:

حسن آن باشد که سر دلبران  
گفته آید در حدیث دیگران

علاوه بر این، بعد از چند دوره که دانشجویان شرکت کردند، طرح ولایت دبیران، که امسال ششمین سال آن است، برگزار شد. یا برای استادان

دانشجویی اجرا شده، که همه زحمت سخت‌افزاری کار به دوش این عزیزان بود. خدا انشاءالله از ایشان قبول کند. ما هم تشکر می‌کنیم مخاطبان ما در این طرح، دانشجویان برگزیده بسیجی هستند که بعد از آنکه در دوره‌های طرح ولایت استانی شرکت کردند، برگزیدگان استان‌ها برای طرح ولایت کشوری دعوت می‌شوند.

این انحصار طلبی یا انحصار گرایی نیست که فقط بسیجیان را راه بدهید؟ ما دلمان می‌خواست همه دانشجویها و حتی دانش‌آموزان را با این مباحث درگیر کنیم. ولی توان و امکانات ما، چه از نظر سخت افزاری و چه نرم‌افزاری بیس از این نیست. علاوه بر این، حضور در بسیج و عضویت در بسیج، هیچ محدودیت یا انحصاری ندارد. هر کسی می‌تواند عضو بسیج شود. این اختیاری و آزاد است.

اشکالات و انتقاداتی از شرکت کنندگان در دوره‌های طرح ولایت شنیده می‌شود. مثل اینکه مباحث بیس از حد انتزاعی است، یا مباحث خشک است. یا اینکه با واقعیت زندگی ربط ندارد. از این دست نقدها.

ببینید، جنس این گونه مباحث عقلی و فلسفی است. برخی مباحث را تا یک جایی می‌شود آسان و ساده کرد. بیس از آن، اگر بخواهد ساده‌سازی شود، مطلب از بین می‌رود. البته این به معنی نادیده گرفتن اشکالات نیست. بعد از هر دوره جلساتی با حضور استادان برگزار می‌شود و انتقادات آن دوره از همه لحاظ، چه سخت افزاری و چه نرم افزاری بیان می‌شود. به طور مثال، برخی منابع از نو نوشته شد. برخی مباحث بازنویسی شد. دوره‌هایی برای

اینکه معرفت چیست؟ معرفت و شناخت چند دسته است؟ معرفت دینی چه نسبتی با سایر معارف دارد؟ و اینکه آیا نسبت در معرفت و معارف دینی راه دارد، یا نه؟ و سؤالاتی از این دست، مباحث فلسفی و بنیادی در معرفت شناسی است که قبل از طرح مباحث دینی باید پاسخ داده شود. پس از طرح مبانی معرفت و شناخت، نوبت به طرح جهان‌بینی و خداشناسی می‌رسد. در مجموعه نظام خلقت، انسان اشرف موجودات است. پس، انسان‌شناسی باید مورد بحث قرار گیرد؛ حقیقت انسان، جاودانگی روح انسان، تکلیف و حق انسان مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرد. انسان موجودی اجتماعی و اعتبارگر است. ولی آیا این انسان با توجه به حقیقت جاودان روح، بی‌برنامه است. دست آفرینش، هیچ هدف و راه روشنی برای او وضع نکرده است؟

این سؤالات، و پاسخ به آن، ضرورت تأسیس دوره‌ای برای انتقال این مباحث را می‌طلبید. حضرت آیه الله مصباح یزدی (حفظه‌الله)، در سال ۱۳۷۴ با طرح انتقال معارف بنیادین اسلام به دانشجویان، به عنوان مدیران و استادان نه چندان دور کشور اسلامی، دوره‌های آموزشی «طرح ولایت» را با همکاری بسیج دانشجویی، طرح‌ریزی کردند و به اجرا گذاشتند.

این معارف به دلیل جایگاه بنیادین آن مورد نیاز همه، اعم از دانشجو و غیر دانشجو است. مخاطب شما در این طرح چه کسانی هستند؟

این دوره‌ها، با همکاری سازمان بسیج

مخاطبان ما در این طرح، دانشجویان برگزیده بسیجی هستند که بعد از آنکه در دوره‌های طرح ولایت استانی شرکت کردند، برگزیدگان استان‌ها برای طرح ولایت کشوری دعوت می‌شوند.

بر اساس برخی نظرات که در دوره‌های مختلف جمع‌آوری شده، بسیار شگفت‌انگیز و تحسین‌برانگیز است. شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها، خود اعتراف کرده‌اند که آگاهی از این معارف و اصول بنیادین فکری، در گردنه‌های حساس زندگی فردی و اجتماعی برایشان سرنوشت‌ساز بوده است.

نقد هم می‌پذیرید؟ معلوم است. بی‌عیب خداست و حضرات معصومان (علیهم السلام).

در آخر، آیا به همه نقدها پاسخ دادید؟ خوب، نقص که داریم. ولی گاهی نقص‌ها و ایرادها ناشی از کوتاهی نیست. پاسخ که می‌دهیم، می‌خواهیم توان و امکاناتمان را بسنجیم تا مشخص شود، به چه میزان توانستیم و چقدر پیش رفته‌ایم. لذا شما از دوستان ما در معاونت آموزش مؤسسه امام خمینی (ره) سوال کنید. من در کار خودم، منتقدانم را به همکاری گرفته‌ام.

این سوال آخر کمی شیطنت‌آمیز است؛ فکر می‌کنید همه پاسخ‌های شما قانع‌کننده بود؟ اگر سوال‌کننده مثل شما سمح باشد، نه!



### بعد از هر دوره جلساتی با حضور استادان برگزار می‌شود و انتقادات آن دوره از همه لحاظ، چه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری بیان می‌شود.

دانشگاه و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، همین دوره‌ها و به فراخور نیاز مخاطب برگزار شد. طرح‌های همسوی دیگری مانند طرح حکمت و طرح سلمان، که برای مدیران ادارات بود، طرح‌ریزی شد. اینها همه رشد و تأثیر است. اگر این طرح ناموفق و یا بی‌نتیجه بود، این همه ارگان‌ها و سازمان‌هایی که ابتدائاً ارتباطی هم با ما نداشتند، سراغ این طرح نمی‌آمدند.

برنامه‌ای هم برای دانش‌آموختگان این دوره‌ها دارید؟

هدف اصلی و اولیه بنیانگذاران طرح ولایت، انتقال مفاهیم بنیادین دینی در زمینه‌های معرفتی، خداشناسی و نظام سیاسی اسلام، به دانشجویانی بود که مدیران تأثیرگذار کشور می‌باشند. ابتدا، اگر یک جوان پرسشگر به پاسخ دقیق و درست مبتنی بر دین دست پیدا کند، هدف ما حاصل شده و نیازی نیست که ما در طول مسیر هم‌هجا دنبال او باشیم. اما با توجه به ذات مقدس و نورانی این‌گونه مباحث و فضای معنوی، که در طول دوره‌های مختلف بر جمع حاکم می‌شد، ارتباطات خودجوش و تأثیرگذاری شکل گرفته است. مثلاً «انجمن دانش‌آموختگان طرح ولایت»، که در بسیاری از استان‌ها به صورت خودجوش ایجاد شده، در فضای مجازی نیز حضور فعال دارند.

جالب اینکه، تأثیر فردی و اجتماعی این دوره‌های آموزشی،

جالب اینکه، تأثیر فردی و اجتماعی این دوره‌های آموزشی، بر اساس برخی نظرات که در دوره‌های مختلف جمع‌آوری شده، بسیار شگفت‌انگیز و تحسین‌برانگیز است.